

نگاهی به: انتخابات پارلمانی در افغانستان

گفت و شنودی با محمد ابراهیم قاسمی

■ حمید ضرابی



آقای ابراهیم قاسمی - رئیس جامعه اسلامی افغانهای مقیم کانادا - یکی از چهره های شناخته شده ی فرهنگی و اجتماعی در میان افغانهای مقیم کاناداست. خدمات او به عنوان یکی از بنیان گذاران اصلی جامعه اسلامی افغانها در شهر تورنتو بر همه روشن است. صراحت گفتار و رفتار وی که نشانگر صداقت و قاطعیتش در تصمیم گیری هاست از وی مدیری فعال و ممتاز در جامعه ساخته است. عشق به کار و خدمت او را اکنون به کارزار انتخابات پارلمانی در افغانستان کشانیده است. وی هم اکنون به منظور سهم گیری در انتخابات پارلمانی (به عنوان کاندیدای مستقل) در کابل به سر می برد و نوشته ای را که می خوانید حاصل گفت و گویی است که با ایشان در ارتباط با مسائل مهم افغانستان، از جمله کمبود ها و نارسایی های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه ی امروز افغانستان داشته ایم. اینک شما و این گفت و شنود. (آشبان)

داخل افغانستان و نظرات شما در این باره بپردازیم. از حضور امریکا در افغانستان، آغاز می کنیم. لطفاً نظر تان را در این مورد ابراز بفرمایید.

قاسمی: نخستین پرسشی که در اذهان ملت خلعان می کند و شدیداً به دنبال پاسخ یابی آن هستند، وجه مشروعیت حضور نظامی امریکا در افغانستان است. این سؤال هم جنبه ی عاطفی - انسانی دارد و هم جنبه ی حقوقی - سیاسی. از نظرگاه حقوقی در روابط بین المللی کشورها، هیچ گاه کشور و دولتی حق دخالت سیاسی یا نظامی در سایر کشورها را ندارد و اگر خارج از قوانین مقرره ی بین المللی چنین دخالت هایی صورت بپذیرد، دخالت کننده متجاوز به شمار آمده و دو دیگر شکایت به سازمان ها و نهادهای معتبر بین المللی که در رأس آنها سازمان ملل متحد قرار دارد تا متجاوز محاکمه شده و غرامت بپردازد.

اگر حضور امریکا در افغانستان براساس خواست و توافق فیما بین دولت - ملت افغانستان و امریکا قابل توجیه سیاسی - حقوقی نباشد و با بیان روشنتر امریکا حضور خود را در افغانستان برخلاف اراده ی مردم افغانستان ادامه بدهد هیچ گونه مشروعیتی برای آن تصور نمی شود و بدین ترتیب عملاً کشور در اشغال بیگانه قرار می گیرد. چنان که برعکس اگر این روند در چهار چوب تفاهم استراتژیک بین دو کشور و با توافق به خواست دولت - ملت افغانستان، ادامه یابد، مشروعیت آن احراز گردیده و داد و ستد متقابل سیاسی - نظامی به شمار می

شرایط افغانستان هر طوری باشد روزنه های امید بسیاری فرا روی مان گشوده است و امیدواری فراوان وجود دارد که افغانستان بعد از گذار از این مراحل مشکل به یک ثبات کامل سیاسی دست یابد.

آشبان: چه انگیزه ای باعث شد که به عنوان یکی از نامزدهای شهر کابل به این کارزار وارد شوید؟
قاسمی: برای اینکه در کابل بزرگ شده ام، در همین کابل تحصیل کرده ام، با مردم و محیط آن آشنا هستم.

آشبان: جناب آقای قاسمی لطف کنید بفرمایید که وضعیت در کابل در این بحبوحه ی انتخابات را چگونه ارزیابی می کنید، آیا مردم علاقمندی برای شرکت در انتخابات دارند؟

قاسمی: همان طوری که قبلاً عرض کردم مردم ما بعد از سالیان متمادی که در فضای اختناق آمیز سیاسی زندگی کرده اند، اکنون به شروع پروسه ی دموکراسی بسیار خوشبین اند و چشم امید به همین تحولات بسته اند. شور و شعف برای شرکت در انتخابات چه از طرف کاندیداها و چه از طرف مردم به طور گسترده مشهود است که امیدواریم مردم با انتخاب نمایندگان دلسوز و فعال و خدمت گذاران واقعی، نقش اساسی خود را در این مرحله ی سرنوشت ساز ایفا بکنند و نمایندگان منتخب مردم نیز در آینده به وعده ها و تعهدات خود با مردم پایبند باقی بمانند.

آشبان: خوب بهتر است یک کمی به مسائل مهم

آشبان: جناب آقای قاسمی شما به اندازه ی کافی در کانادا اشتغال اجتماعی و فرهنگی در جامعه داشتید، چطور شد که عزم وطن گردید و در انتخابات پارلمانی خواستید سهم بگیری؟

قاسمی: ضمن تشکر از شما، امیدوارم سلام و ارادت بنده را به خدمت تمامی هموطنان خوبم در کانادا - وسیله شوید. در ارتباط با این سؤال شما باید عرض کنم که زندگی من از آغاز دوران جوانی با کار و فعالیت اجتماعی و فرهنگی گره خورده است. علت و انگیزه ی همه ی کار ها عشق، محبت و علاقه ای بوده است که به کشور و مردم عزیز داشته و دارم. اگر در کانادا در طول نزدیک به دو دهه توفیق یافته ام کاری بکنم همگی در راستای همین عشق و انگیزه بوده است. و اما چرا در انتخابات پارلمانی؟ باید به عرض برسانم که به نظر من امروز افغانستان و مردم افغانستان بیش از هر زمان دیگر به خدمت ضرورت دارند. مشکلاتی که امروز دامن گیر مردم ما در داخل است، برای کسانی که در خارج زندگی می کنند غیر قابل تصور است. و از طرفی من فکر می کنم امروز با جاری شدن پروسه ی دموکراسی در افغانستان زمینه ی فعالیت و خدمت در چار چوب قانونی و از طریق مراکز و پایگاه های مردمی مانند پارلمان بعد از سالیان دراز و متمادی فراهم شده است. از آرزوهای همیشگی ما بوده است که روزی در افغانستان انتخابات آزاد برگزار شود و مردم با انتخاب - آزادانه ی نمایندگان دلسوز و مخلص، بتوانند در تعیین سرنوشت خویش سهم تعیین کننده بگیرند. به هر حال

دولت چیست؟

قاسمی: از مهم ترین و حیاتی ترین وظایف ملی و انسانی دولت این است که کادری اداره‌ی کشور فضای جامعه را از حالت سیاسی - امنیتی بیرون آورده و جو حاکم بر جامعه را جو اقتصادی - فرهنگی بسازد تا در فضای آن بتوان برای بهبود وضع اقتصادی، نفس کشیده و بر پیکر بی جان اقتصاد کشور دم تازه ای بردمید. چند نکته ی اساسی را در این زمینه می خواهم یاد آور شوم: اول باید دولت توجه خود را به سالم سازی و پالایش وزارت خانه ها و مؤسسات دولتی معطوف کند تا این مراکز از هرگونه فساد مالی و اداری پاک شوند. دوم وزارت مهاجرت و مهاجرین باید عمیقاً به این موضع بیندیشد که رنج غربت و آوارگی بخشهایی وسیع از مردم کشور را در طول سالها آوارگی به اندازه ی کافی عذاب داده است و امروز که به وطن خود بازمی گردند نباید احساس غربت مجدد کنند. سوم سطح زندگی در شهرها به خصوص شهر کابل، باید با معیارهای شهری تطابق یافته و به بازسازی و توجه جدی به نیازهای فوری مردم بذل مساعی شود. خصوصاً فرهنگ شهر نشینی باید ترویج گردد و به وضعیت سرکها و جاده ها باید رسیدگی شود، اعمار تعمیرهای جدید با اسلوب و روش قابل قبول شهری صورت بگیرد، به پارکها و اماکن تفریحات سالم همشهریان توجه کافی مبذول گردد، فضای شهر باید فضای سالم بهداشتی بوده و رنگ و روی یک پایتخت آبرومند و یا شهر به معنای واقعی کلمه را با خود بگیرد. سازمان ترافیک شهری با همکاری نیروهای انتظامی و امنیتی به وضعیت عبور و مرور و تسهیل نقل و انتقال همشهریان به نقاط مختلف شهر بکوشد. به بازار، اماکن خرید و خدمات شهری و امور صحت عامه وقع نهاده شود، در مراکز مختلف شهر، درمانگاه ها و کلینیک هایی تأسیس و در دسترس همشهریان قرار بگیرد. تأسیسات برق رسانی بدون کمترین تبعیض در میان همشهریان و مناطق مختلف شهر باید بازسازی و یا از نو تأسیس گردد، به وضعیت مجاری فاضلاب های شهر رسیدگی شود، مشکل آب آشامیدنی مردم باید رفع شود. یکی از اساسی ترین نیازهای مردم

از این تعامل طرفینی تا چه حد است؟ به نظر من آنچه را که مردم ما انتظار دارد تا در این برهه ای از تاریخ و در فضای موجود سیاسی - نظامی، از حضور امریکا در کشور دریافت کند و با نگاه مثبت ملی به این موضوع بنگرد، همکاری در ابعاد مختلف نظامی - انتظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است.

آشبان: خوب از مسائل سیاسی می گذریم، مهم ترین مسئله شاید هم اکنون در افغانستان مسئله ی وضعیت نا به سامان اقتصادی مردم است. از یک طرف فقر اقتصادی و وضعیت نامناسب امکانات رفاه اجتماعی بیداد می کند و طرف دیگر مهاجران افغان در کشورهای همسایه به خصوص در ایران برای ترک این کشور زیر فشار قرار دارند که در نتیجه سیل مهاجرین را به شهرهای مختلف و به خصوص کابل سرازیر ساخته است. در این مورد دوست داریم از زبان شما بشنویم.

قاسمی: مردم افغانستان امروز در بدترین شرایط اقتصادی - رفاهی به سر می برند، از روستاها گرفته تا شهرهای کلان نارسایی و کمبود مواد اولیه ی زندگی، جریان حیات را متوقف ساخته است. میلیون ها انسان آواره و مهاجر از کشورهای همجوار، مجبور به بازگشت به وطن شده اند، در حالیکه کمترین امکانات اسکان و رفع احتیاجات اولیه ی آنها فراهم نیست. دولت با تمام قوا، باید در حل معضلات پیچیده ی اجتماعی از این دست، و فراهم آوردن امکانات ابتدایی - فوری و ضروری مردم گام عملی سریع بردارد، چه آن که با وعده های سر خرمن و ارائه ی پلان های طولانی مدت، آنهم بر روی کاغذ، نه شکم گرسنه ی مردم سیر می گردد و نه تن برهنه ی آنان پوشانده می شود! واضح و روشن باید گفت: مردم نان می خواهند، سرپناه می خواهند، کار می خواهند، تا از گرسنگی و سرما و گرما نمیرند. دردناک تر از این خبر، خبری نیست که در روز ۷۰۰ کودک افغان، در اثر نبودن بهداشت و ضروریات روزمره ی زندگی جان خود را از دست می دهند.

آشبان: به نظر شما در چنین وضعیتی وظیفه ی

آید که خود یک امری معمول بین کشورها بوده و کلیه ی مقررات و عرف سیاسی بین المللی آن را تجویز کرده و می کند.

اما از نظر عاطفی و انسانی ملت افغانستان حاضر نیست که غرور ملی و استقلال کشور خویش را مفت و رایگان از دست بدهد و خون صدها هزار شهید راه آزادی و استقلال را به سادگی پایمال نماید. تاریخ نشان داده است که هرگاه یک نیروی خارجی در صدد حضور نامشروع و سوء استفاده از خاک افغانستان، لشکرکشی نموده، با قربانی دادن، متجاوز را از خاک وطن بیرون رانده اند؛ بنا - بر این برای امریکا به وضوح قابل فهم است که ملت افغانستان سلحشور، آزاده و بیگانه ستیز است، به مصلحت امریکا و صلح جهانی و منطقه ای است که سیاست امریکا در قبال افغانستان شفاف، روشن، دوستانه و بدون کمترین ابهام و سردرگمی تبیین و تشریح گردد.

آشبان: همانگونه که می دانید مشروعیت همکاریهای متقابل بین دولت افغانستان و ایالات متحده باید از کانون اراده ی ملی مردم افغانستان منشاء بگیرد و در غیر این صورت کلیه ی تلاشهای دو دولت، بی حاصل و آب به هاون کوبیدن است. ثانیاً " آنچه منطقی و منصفانه است این است که اگر امریکا از رابطه ی با افغانستان ملحوظات سیاسی در سطح منطقه دارد و یا براساس منافع ملی اش سود می برد باید به همان پیمانانه مردم افغانستان نیز بهره ببرد، نظر شما در این مورد چیست؟

قاسمی: کاملاً درست است، بی شک حضور امریکا در افغانستان از نظر اهداف استراتژیک امریکا، در منطقه براساس منافع ملی امریکا استوار است، در این که ایالات متحده از این حضور چه دست آوردهایی را برای خود کمایی می کند مربوط به خود آنهاست. قدر مسلم این است که اگر منافع و مصالح ملی آنان اقتضاء نکند یقیناً چنین بهای سنگین را بدون استفاده های عاجل و آجل خود پرداخت نمی نمایند؛ اما چالشی همواره مردم ما را به پاسخ یابی بر می انگیزد این است که میزان استفاده ی ما

با وعده های سر خرمن و ارائه ی پلان های طولانی مدت، آنهم بر روی کاغذ، نه شکم گرسنه ی مردم سیر می گردد و نه تن برهنه ی آنان پوشانده می شود! واضح و روشن باید گفت: مردم نان می خواهند، سرپناه می خواهند، کار می خواهند، تا از گرسنگی و سرما و گرما نمیرند.

personal benefits they would derive. When I observe the current humiliating situation of the Muslim world, I remember the saying of my beloved Prophet who said that in the end of the times the Sun is going to rise from the west. Islam could metaphorically be considered as the light and the Sun that is going to shine from the west and illuminate the world.

The majority of Muslims in the east are adherents of Islam culturally. They have corrupted the true and straight way that they were blessed, with traditions that are alien to Islam; thus projecting a bad image to the observing west.

Islam is growing in its true and intended form in the western countries in this age. It shows a path of life that is straight to the ones who can see its beauty. This way of life provides us with meaning to our existence in this world and reaffirms its truth whenever it is opposed to or compared with any other sociological or scientific explanations of the human life. Therefore, for Afghan-Canadians what better identity could there be but that of Muslims. If one establishes Islam in his/her life, then there would be no tension between what is called as the Afghan culture and that which is the western way of life. This is because cultural values can be meaningless when one is living in another county and thus those values would be rendered useless.

However, Islamic values are universal and thus always meaningful. In other words, Islam could be considered as the common denominator that gives us the identity as Afghan-Canadians, which can satisfy both the conditions for us of being Afghans and having an established identity as Canadians. As Muslims we can not only satisfy our own spiritual thirst, that is inherent in human nature, but also have an identity which is harmonious with nature, for Islam is also called the natural way.

اجتماعی این دنیا دارید. فکر می کنید افغانستان چگونه باید از تجارب و اندوخته های مردم این دنیا در راستای نیل به پیشرفت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می تواند استفاده بکند؟

قاسمی: دنیای متمدن، که به بالاترین درجات قدرت نظامی، سیاسی، و اقتصادی در دنیا امروز دست یافته، یقیناً با ابزار علم و دانش بوده که راه ترقی را برای خود هموار ساخته اند. با نردبان علم و دانش بوده است که این دنیا توانسته است تا اوجهای غیر قابل تصور ارتقاء و تکامل خود را تضمین کند و زنجیرهای جبر طبیعت و نظام های اجتماعی ظالمانه را در هم شکند. افغانستان در کجای کاروان فنون و علوم قرار دارد؟ این پرسشی است که امروز پاسخ دادن به آن جز سکوت چیز دیگری نمی تواند باشد؛ چه آن که با یک نگاه گذرا و سطحی به جامعه می توان، موقعیت علمی و جایگاه آموزش و تعلیم و تربیت را مشخص کرد. تراژیدی وحشتناکی گریبانگیر جامعه ی افغانستان در حوزه ی علوم و معارف است. بخش عظیم از جامعه ی شهری و دهاتی از نعمت تحصیل حتی در سطح ابتدایی و سواد آموزی آن محروم است، چه رسد به تحصیلات عالی ی دانشگاه. خوب مسلم است که افغانستان بیش از دو دهه جنگ های داخلی را سپری کرده است که پیامدهای ناگواری را برای کشور ما به بار آورده است. همین دوره ی جنگ در واقع دوره ی خلاء ای بوده که در آن رشد در همه ی ساحه های متوقف بوده است. یک نسل بدون تعلیم و تربیت درست و صحیح بزرگ شده اند و در فضای جنگ و حاکمیت خشونت بر جامعه. نیاز به گفتن ندارد که کلیه پایگاه های آموزشی کشور یا از بن ویران و تعطیل شده است یا درصد بسیار ناچیزی از آن با وضع اسف باری آخرین رمق های خود را سپری میکنند. به نظر من مهم ترین و ضروری ترین رسالت دولت در وجه فرهنگی این است که طرح های کوتاه مدت و فوری را برای سواد آموزی بی سوادان جامعه بی بریزد و نیز سطح مکاتب و دانشگاههای کشور را مطابق با ضوابط و معیارهای امروزی، ارتقاء بخشد. تا کشور از نیرو های جوان و متخصص بهره مند شده و آینده ی روشنی پیش روی نسل های آینده ی ما ترسیم گردد.

آشیان: با تشکر از شما. /پایان

ادامه از انتخابات پارلمانی..

در کابل هم اکنون مسئله ی آب سالم آشامیدنی است؛ چراکه آب چاه ها آلوده است و بیماری زا. البته که اینها همه مستلزم صرف بودجه و تخصیص و تعهد مسئولین ذی ربط است. دولت مسئولیت مستقیم دارد که از هر طریق ممکن ولو با تقاضای کمک از کشورهای دوست به حل نهایی این مشکلات بیندیشد و هرچه سریع تر گامهای عملی بردارد. آشیان: یکی از مسائل عمده که در رونق و رشد اقتصاد کشور می تواند عامل کلیدی به حساب آید - سرمایه گذاری خارجی است. شما با توجه به وضعیت فعلی امنیتی و ثبات اقتصادی در افغانستان چه عواملی را مانع افزایش سرمایه گذاری در کشور می دانید؟

کشور ما در شرایط فعلی به سرمایه گذاری خارجی ضرورت شدید دارد. چرا که یکی از پیامدهای اولیه و مهم سرمایه گذاری خارجی فراهم شدن بالقوه ی کار و اشتغال در افغانستان است که طبیعتاً رشد و شکوفایی اقتصادی را برای ما به ارمغان خواهد آورد. خوشبختانه هستند - کشورها و شرکتهای خارجی فراوان که به شدت تمایل به سرمایه گذاری در کشور ما دارند؛ اما همانطوری که شما فرمودید موانعی نیز در این راستا وجود دارد که باید در رفع آن کوشید و اقدامات و توجهات لازم دیگر را نیز در این راستا می طلبید: یکی خلع سلاح کامل گروه های مسلح در سراسر کشور و ایجاد امنیت کامل در مسیرهای - ترانسپورتی و حمل و نقل. دوم حمایت ارکان سه گانه ی نظام از سرمایه گذاران خارجی. سوم همبازی و مساعدت تولید گران و تاجران داخلی با سرمایه گذاران داخلی، چهارم فعال بودن بانک مرکزی افغانستان و در دست گرفتن گردش پول و هدایت آن به سوی سازندگی و سرمایه گذاری داخلی و پنجم برخورد قاطع با کشت تریاک و جایگزین نمودن کشاورزی سالم و ضروری به جای آن. و مهم تر از همه اینکه نباید گمان کرد که همکاری راه بردی با ایالات متحده و دنیای صنعتی تنها در وجه نظامی و سیاسی آن خلاصه می گردد بلکه وجه اقتصادی مسئله از اهم وجوه همکاری است که اهمیت حیاتی برای افغانستان دارد و کمترین غفلت از این وظیفه قابل بخشودن نیست.

آشیان: آقای قاسمی شما مدت زیادی را در خارج از کشور بوده اید و مسلماً در کانادا تجارب و اندوخته های زیادی از سیستم کار، تحصیل و فعالیت های